



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر : 15 دسمبر 2014 م

حکایت ۲۳۳

چو محرم شدى ایمن از خود مباحث

که محرم بیک نقطه مجرم شود

« ؟ »

خزانه دار بیت المال

خلیفه عمر بن عبدالعزیز ، بعد از اینکه در سال (۹۹) بخلافت نشست غلام خود را که شخص پارسا و با دیانتی بود به خزانه داری بیت المال منصوب نمود و غلام مذکور در حفظ متعلقات بیت المال کوشش و دقت بسیار می نمود .

خلیفه سه دختر داشت و دختران مذکور روز عرفه نزد پدر آمده گفتند:

دختران همسایه بما طعنه میزنند که شما دختران خلیفه هستید و پیراهن نو ندارید که امروز بپوشید.

خلیفه متأثر شد و خازن بیت المال را طلبید و باو گفت :

مبلغی پول از بیت المال برسم قرض برای من بده و در آخر ماه از مشاهره من وضع کن ، من میخوام با این پول برای دخترانم پیراهن خریداری کنم !

خازن جواب داد:

یا امیرالمؤمنین ! آیا شما اطمینان دارید که تا آخر ماه زنده هستید و می توانید قرض خود را ادا کنید؟

خلیفه گفت :

نه ! بخدا قسم که یک نفس بخود این اطمینان را ندارم !

آن گاه خازن را مرخص کرد و دختران خود را خواست و بایشان گفت :

دختران من ، شما بروی خواهش خود پای گذارید برای اینکه تا کسی آتش خواهشهای خود را بآب صبر فرو نه نشاند داخل بهشت نمیشود !

(مؤلف تاریخ الخلفاء می نویسد که مشاهره عمر بن عبدالعزیز روزی دو درهم بوده.)

ادامه این داستان های جالب ادامه دارد....

www.24sahat.com

— www.said-afghani.org — بازگشت به صفحه اصلی